

## مطبوعات و نحوه تعامل آنان با ارکان حکومت مشروطه در دوره مجلس اول (۱۳۲۴-۱۳۲۶ق)

فاطمه بلندی<sup>۱</sup>، حسین محمدی<sup>۲</sup>، مرتضی تهمانی<sup>۳</sup>، فواد پورآرین<sup>۴</sup>

(دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸، پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸)

### چکیده

پس از استقرار نظام مشروطیت، نقش و اهمیت مطبوعات به عنوان مهم‌ترین وسیله ارتباط جمعی افزایش یافت. در پژوهش حاضر با روش تاریخی و رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر مطبوعات این دوره، به این پرسشها پاسخ داده خواهد شد: وضعیت مطبوعات و تعامل آنان با ارکان حکومت مشروطه در دوره مجلس اول (۱۳۲۶-۱۳۲۴ق) چگونه بود و مطبوعات چگونه و با چه رویکردی اخبار و رویدادها را منعکس می‌کردند؟ بر اساس یافته‌ها، پس از پیروزی جنبش مشروطه، آزادی مطبوعات در بیان اخبار و رویدادها و رویکرد انتقادی آنان نسبت به اوضاع اجتماعی و سیاسی و به ویژه نقد حاکمیت، رشد و نمود بیشتری یافت. رویکرد منتقدانه مطبوعات گاه با تندرویهایی همراه بود و افت و خیزهای فراوانی را در تعامل آنان با حکومت و به ویژه محمدعلی شاه پدید آورد و این موضوع، در نهایت موجب محدودیتهای فراوانی از سوی حکومت گردید.

واژگان کلیدی: مطبوعات، مشروطه، مجلس اول، حکومت، محمدعلی شاه

fatemehbolandi@yahoo.com

h.mohammadi@khu.ac.ir

motahami20@khu.ac.ir

pour721@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول).

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی،

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی،

۴. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی،

## ۱. مقدمه

انتشار روزنامه یکی از مراحل اساسی در تحولات مهم تاریخ معاصر ایران است، چندان که مطالعه تاریخ دو سده اخیر ایران بدون در نظر گرفتن نقش مطبوعات، ناقص خواهد بود. تعامل مطلوب در روابط بین نهادها و ارکان حکومتی از مؤلفه‌های اساسی در اداره کشور و تحقق پیشرفت و رضایتمندی عمومی است و مطبوعات یکی از ابزار اصلی در جهت رسیدن به این هدف هستند. با پیروزی جنبش مشروطه، مطبوعات به یکی از عناصر اصلی در تعامل حکومت با مردم تبدیل شدند و نقش مهمی در تصمیم‌سازی و راهبردهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دولتمردان ایفا کردند. همچنین سیاستهای حکومت، نقشی اساسی در تعیین حدود اختیارات و کارکرد مطبوعات داشت. هدف پژوهش حاضر، تحلیل نحوه بازتاب اخبار و رویدادهای مهم در مطبوعات سالهای ۱۳۲۴-۱۳۲۶ ق و چگونگی تعامل حکومت و نشریات این دوره با یکدیگر است. برای دستیابی به اهداف مذکور در پژوهش حاضر به این پرسشها پاسخ داده خواهد شد: وضعیت مطبوعات و رویکرد آنان نسبت به مسائل مهم کشور در سالهای میان ۱۳۲۴-۱۳۲۶ ق چگونه بود و همچنین در این دوره مطبوعات و ارکان مختلف حکومت مشروطه (شاه، دولت، مجلس) چه تعاملاتی با یکدیگر داشتند؟

## ۲. پیشینه تحقیق

مقوله مطبوعات از جهات مختلفی توجه پژوهشگران را جلب کرده و کتابها و مقالات متعددی در این باره تألیف شده است. بهرغم پژوهشهای متنوع، توجه به موضوع مهم نحوه تعامل مطبوعات با ارکان حکومت مشروطه، در قالب پژوهشی مستقل و مجزا مغفول مانده و صرفاً در خلال مباحث دیگر و به صورت کلی و پراکنده به آن اشاره شده است. از مهم‌ترین کتابها در این باب می‌توان به این مآخذ اشاره کرد: "تاریخ جراید و مجلات ایران" نوشته محمد صدرهاشمی، "تاریخ تحلیلی مطبوعات" نوشته محیط طباطبایی، "تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت" از ادوارد براون، "روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۲۸۹ ق" نوشته ه.ل.رابینو. همچنین، هر یک از پژوهشگران به وجوه خاصی از مطبوعات پرداخته‌اند؛ مقالاتی چون: "نقش سیاسی اجتماعی مطبوعات در انقلاب مشروطیت" نوشته رامین رسول‌اف و کرامت‌الله‌راسخ، "آسیب‌شناسی ظهور و کارکرد نخستین جراید تشکیلاتی در ایران در دهه اول

مشروطیت" نوشته صادق زیباکلام و علیرضا باقری، "روزنامه مجلس اولین روزنامه ملی دوران مشروطیت" از غلامرضا فدایی. بررسی کتابها و مقالات مربوط به مطبوعات نشان می‌دهد که تاکنون باره چگونگی تعامل مطبوعات با حکومت مشروطه در دوره مجلس اول (۱۳۲۶-۱۳۲۴ق) تحقیق مستقل و مجزایی انجام نشده و مطالب در این باب، پراکنده یا به صورت مروری کوتاه در پژوهشهای دیگر آمده است. با توجه به نقش و اهمیت قابل توجه مطبوعات در پیروزی و استقرار نظام مشروطه، این پرسش مطرح می‌شود که در شرایط جدید و تحت حاکمیت نظام تازه تأسیس یافته، مطبوعات چه وضع و جایگاهی داشتند و تعامل آنان با ارکان حکومت اعم از شاه و مجلس و دولت چگونه بود؟ در پژوهش حاضر کوشش شده تا با روش تاریخی و رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر مبنای اسناد و روزنامه‌های این دوره به سؤالات یاد شده پاسخ داده شود.

### ۳. مجلس اول و تدوین قانون مطبوعات

با صدور فرمان مشروطه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ش/ ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ق تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران وارد مرحله نوینی شد. اندکی بعد از صدور این فرمان، نظام نامه انتخابات نیز تدوین گردید و پس از امضای شاه، دولت دستور برگزاری انتخابات را صادر کرد. با برگزاری انتخابات، نخستین دوره مجلس شورای ملی در روز ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ق/ مرداد ۱۲۸۵ش در عمارت گلستان با خطابه مظفرالدین‌شاه گشایش یافت (ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۱، ۶۴۴).

بلافاصله بعد از صدور فرمان مشروطه، قانون اساسی مشروطه در تاریخ ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ق در ۵۱ اصل به تصویب مجلس رسید (مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه، ۱۳۲۳: ۳۵)؛ قانونی که به بیان شب‌نامه‌های عصر مشروطیت "اصل مقصود و مطلوب ایرانیان مظلوم" بود و تصویب آن مایه «خیر مملکت و آسایش» (شریف‌کاشانی، ج ۱، ۵۸-۵۵). گرچه در قانون اساسی و به ویژه در اصل سیزدهم آن کلیاتی راجع به مطبوعات آمده بود، تصویر روشنی از حقوق فردی و اجتماعی و آزادی مطبوعات از آن به دست نمی‌آمد. بنابراین، برای اصلاح نواقص موجود در این قانون، پس از مرگ مظفرالدین‌شاه و جلوس محمدعلی میرزا بر تخت سلطنت، کمیسیونی در مجلس شورای ملی تشکیل گردید و طرح متمم قانون اساسی را تنظیم و برای تصویب به مجلس ارسال کرد. این طرح پس از تصویب مجلس شورای ملی در ۲۹ شعبان

۱۳۲۵ق به صحنه محمدعلی شاه رسید و به مورد اجرا گذاشته شد (تقی‌زاده، *خاطرات*، ۱۸۲). در قانون اساسی سخن از کلیات مسائل به میان آمده، در حالی که در متمم، حقوق مجلس و دولت و دربار و شاه و ملت و حدود آن مشخص شده بود (احتشام السلطنه، ۱۳۶۷، ۶۱۲).

اصل بیستم متمم قانون اساسی خاص موضوع مطبوعات و آزادی و عدم ممیزی است (*قانون اساسی؛ حبل‌المتین*، سال ۱۵، ۱۱ شوال ۱۳۲۵، ش ۱۷، ۲). این اصل را می‌توان دومین قانون مطبوعات به شمار آورد که گرچه در آن، مواردی چون آزادی قلم و زبان و عقیده برای همگان در نظر گرفته شده بود، حدود آزادی و قوانین یا مجازاتی که اهالی مطبوعات در صورت تخطی از قوانین مشمول آن می‌شدند، مشخص نبود و بنابراین، می‌باید قوانینی در جهت نقایص موجود تدارک و تصویب می‌شد (حقدار، ۵۵۳-۵۴۷). سرانجام پس از گفت و گوهای بسیار، مجلس در تاریخ ۲۴ محرم ۱۳۲۶ق قانون مطبوعات را به تصویب رساند؛ شامل یک مقدمه و شش فصل و در مجموع ۵۲ ماده. در این قانون، مواردی چون تأسیس چاپخانه و چاپ و فروش کتاب و روزنامه آمده و به هر ایرانی سی‌ساله که مرتکب جرم و جنایت نشده و مشهور به فسق و فساد عقیده نباشد، حق داده شده است تا روزنامه منتشر کند. همچنین مواردی چون کیفیت محاکمه و نحوه مجازات روزنامه نگاران و توقیف روزنامه‌ها از طریق مأموران وزارت معارف آمده است. در این قانون، انتقاد از شاه و نشر مطالب مخالف اسلام هم منع شده بود (قانون مطبوعات، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی). تصویب این قانون واکنش شماری از روزنامه‌نگاران را که خواهان آزادی بیشتری بودند برانگیخت (نک: ادامه مقاله).

#### ۴. رشد روزنامه‌ها در دوره اول مشروطه (۱۳۲۷-۱۳۲۴ق)

پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی و استقرار نظام پارلمانی در ایران، آغاز دوره جدیدی برای فعالیت‌های مطبوعاتی است. در این دوره، انتشار مطبوعات با توجه به فضای باز سیاسی رشد قابل توجه یافت. در زمان صدور فرمان مشروطه، تنها چند روزنامه و اغلب با زمینه خبری و ادبی در تهران و برخی شهرستانها به چاپ می‌رسید. اندکی بعد و پس از افتتاح مجلس (شعبان ۱۳۲۴ق)، در حالی که تا پایان سال ۱۳۲۴ق بیش از چهارماه نمانده و هنوز مقرراتی برای چاپ و انتشار روزنامه وضع نشده بود، برای انتشار بیش از ۲۰ روزنامه در این چهارماه امتیاز صادر گردید که غالباً به همان رسم و ترتیب دوره

استبدادی و با موافقت وزیر انطباعات و صدور فرمان شاهی صورت گرفت. این نشریات با شجاعت کامل از مشروطیت جوان دفاع و اهمیت آن را برای ملت تشریح می‌کردند. در مدتی بسیار کوتاه، تأثیر آنها در نشر اندیشه های نوین چون اصلاح‌طلبی، عدالت‌خواهی، آزادمندی و ترقی‌خواهی در میان توده مردم آشکار شد (کهن، ۲۱).

سال ۱۳۲۵ق نقطه عطفی در تاریخ مطبوعات است: در ابتدای این سال و در زمان تشکیل نخستین کابینه مشروطه به ریاست میرزا نصرالله مشیرالدوله، وزارت انطباعات منحل و وظایف و اختیارات آن به وزارت علوم و معارف محول شد (پروین، ج ۲، ۴۸۵). انحلال وزارت انطباعات موجب افزایش انتشار روزنامه‌ها و آزادی بیشتر روزنامه‌نگاران در بیان آزادانه تر مطالب در جهت روشنگری و افزایش سطح آگاهیهای مردم گردید. از این پس، روزنامه‌نگاران آزادیخواه با بهره‌گیری از فضای تازه، کوشش برای ارتقاء بینش سیاسی توده مردم و دستیابی به اهداف جنبش را افزایش دادند و در سطح وسیع تری به انتشار اخبار و مطالب گوناگون پرداختند. ادوارد براون سال ۱۳۲۵ق را نقطه اوج فعالیت روزنامه‌ها دانسته و شمار روزنامه‌های منتشر شده در این سال را ۸۴ عدد ذکر کرده‌است (براون، ج ۲، ۱۶۱). به نوشته محیط طباطبایی، شمار روزنامه‌ها به ۷۷ می‌رسید و از این میزان، ۴۸ روزنامه در تهران و بقیه در شهرستان‌ها فعالیت می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۳). تا پایان سال ۱۳۲۵ق از شمار روزنامه‌های فعال در تهران به میزان قابل توجهی کاسته شد و به ۲۰ روزنامه تنزل یافت. تقریباً همین میزان روزنامه نیز در سایر شهرها فعال بودند (ندای وطن، س ۲، ش ۱، ۲۰).

افزایش ناگهانی مطبوعات با توجه به اینکه تجربه مطبوعاتی و سیاسی بسیاری از دست اندرکاران این مطبوعات، چندان عمیق نبود، آشفتگی‌هایی در پی داشت. ناشران این روزنامه‌ها اهداف مختلفی را دنبال می‌کردند. اغلب این روزنامه‌ها با وجود شور و اشتیاق بسیار، به سبب ناآگاهی از اوضاع جهان و از معنا و مفهوم درست مشروطه و آزادی و نداشتن راهنمایان و آموزگاران آشنا به زندگانی اجتماعی و اصول کشورداری، در کار خود درمانده و سرگردان بودند و هر یک مشروطه و آزادی و قانون را به معیار ذوق و سلیقه خویش و به میزان اطلاعاتی که از پیش داشتند می‌سنجیدند (آرین‌پور، ج ۲، ۲۴). به نوشته کسروی برخی از نویسندگان این روزنامه‌ها حتی نمی‌دانستند چه می‌خواهند بنویسند (کسروی، ۲۷۴). نوشته‌های برخی از آنان آکنده از تناقض و حاکی از شناخت اندک از مفهوم مشروطه بود. به عنوان مثال، در یکی از شماره‌های روزنامه

مجلس چنین آمده است: «حکومت ایران همواره از زمان کیومرث تا به حال مشروطه بوده است» (مجلس، ۱۳۲۴، ش ۶۵، ۴). یکی «می‌خواست با دلیل‌های فلسفی مشروطه را روشن گرداند دیگری سعی می‌کرد با گفته‌های صوفیان و شعرهای مثنوی و قرآن و حدیث مشروطه را دستگاهی اسلامی معرفی کند. در واقع به جای شناخت آن می‌کوشیدند که مشروطه را از معنای درست خود بیرون آورده و هرکس بدخلخواه معنای دیگری به آن دهند... بجای آنکه پیروی از آیین مشروطه کنند میکوشیدند آن را پیرو رفتار و شیوه زندگانی خود گردانند» (کسروی، ۲۷۵-۲۷۴). در این میان شماری روزنامه‌های پرمغز و پرمایه یافت می‌شد که مطالب آنها در جهت نیات و اندیشه‌های آزادیخواهانه ملت ایران بود. این دسته از روزنامه‌ها علاوه بر مشروطه‌طلبی و آزادیخواهی، مسائل اجتماعی و اقتصادی را نیز در صفحات خود درج و آشکارا از حقوق مردم در مقابل هیئت حاکمه و دیگر زورمندان دفاع می‌کردند (پارسا بناب، ۲۱). از جمله می‌توان به ندای وطن، تمدن، روح‌القدس، صوراسرافیل و حبل‌المتین و مساوات و نسیم‌شمال اشاره کرد. در میان آنها ۳ روزنامه صوراسرافیل و مساوات و حبل‌المتین از نظر تأثیر در تحول افکار و اوضاع، در درجه بالاتری قرار داشتند. در نخستین شماره روزنامه صور اسرافیل، گردانندگان، اهداف از تأسیس این روزنامه را حمایت از مجلس شورای ملی و معاونت روستاییان و ضعفا و فقرا و مظلومین و حریت و مساوات برشمرده است (صوراسرافیل، ۱۳۲۵، شماره ۱، ۱).

با وجود رشد روزافزون روزنامه‌ها در این دوره، اغلب آنها بیش از چند هفته یا چند شماره و حتی گاهی یک شماره دوام نیاورده و تعطیل شدند (ندای وطن، ۱۳۲۶، ش ۱: ۲۰). با وجود رشد و گسترش روزنامه‌ها در این دوره، نباید درباره دامنه نفوذ و تأثیرگذاری آنان در تحولات این دوره اغراق کرد: طیف وسیعی از مردم بیسواد بودند و دسترسی به روزنامه‌ها به سبب گرانی، آسان نبود. این قبیل عوامل، دامنه تأثیرگذاری روزنامه‌ها را در این دوره محدود می‌کرد. تأثیرگذاری به صورت گسترده، مستلزم وجود نخبگانی باسواد و منتقد و تحول‌خواه بود تا محتوای این روزنامه‌ها را به اطلاع مردم برسانند. بدین ترتیب، روزنامه‌های این دوره، اغلب طیف معدودی از نخبگان و عالمان مذهبی را مشغول می‌کرد و پیوند روزنامه‌ها با مردم غالباً از طریق این طیفها و در فرایندی واسطه‌ای و غیرمستقیم انجام می‌شد. در فضای نیمه‌باز عصر مظفری و رواج مدرسه‌های نوین، بر شمار روزنامه‌خوانان افزود و شمار نشریه‌ها هم به صورت

چشمگیری افزایش یافت. ادوارد براون اثربخشی مطبوعات در آستانه مشروطیت را به عنوان معیار بیداری ایرانیان برشمرده و خواندن روزنامه را فراگیر دانسته است. به نوشته او، مردم در قهوه‌خانه‌ها به جای تکرار قصه‌های شاهنامه، به گفت‌وگوی سیاسی و اجتماعی مشغولند (براون، ۱۴۳). بیشترین تأثیر از آن روزنامه‌های فارسی زبان چاپ خارج از کشور بود. این قبیل نشریات در دوره مظفردالدین شاه با آزادی بیشتری وارد کشور می‌شدند.

##### ۵. تعامل مجلس اول و مطبوعات

یکی از اولین اقدامات آزادیخواهان پس از استقرار نظام مشروطه، تأسیس روزنامه "مجلس" در جهت تحقق روزنامه نگاری آزاد و مسئولانه بود. در این روزنامه کوشش می‌شد ارتباط مجلس ملی نوپا با مردم برقرار باشد و اخبار و مذاکرات مجلس به اطلاع عموم برسد. میرزا محمدصادق طباطبایی مدیرمسئول این روزنامه، فرزند سیدمحمد طباطبایی از مؤسسين و پیشقدمان مشروطیت بود و همین مزیت سبب گردید که روزنامه مجلس را روزنامه آزاد بخوانند؛ به ویژه که از تفتیش و نظارت دولت معاف بود و درباریان نتوانستند از دادن این عنوان به روزنامه وی جلوگیری کنند (صدرهاشمی، ج ۱، ۱۶؛ دولت آبادی، ج ۱، ۹۴). روزنامه مجلس اولین روزنامه ای بود که هیچ گاه برای بازبینی و بازرسی به وزارت انطباعات نرفت (میرزا صالح، ۴۵). انتشار روزنامه مجلس در جلب افکار عمومی نسبت به مباحث و مذاکرات مجلس شورای ملی تأثیر تمام داشت. این روزنامه وسیله ارتباط نمایندگان و مردم بود و نمایندگان نیز با آگاهی از اهمیت انتشار افکار خود از طریق روزنامه مجلس، از تربیون مجلس شورای ملی به نفع خود و موکلان خویش برای تبلیغ استفاده می‌کردند.

علاوه بر روزنامه مجلس، روزنامه‌های دیگری چون حبل‌المتین نیز، اخبار و تصمیمات مجلس شورای ملی را منعکس می‌کردند. این روزنامه در برخورد با اختلافات و تفاوت سلايق نمایندگان در موضوعات مختلف، آنان را به دوری از عداوت و دشمنی و حفظ اتحاد و یکپارچگی در جهت تامین مصالح مملکت فرامی‌خواند (حبل‌المتین، ۱۷ رمضان ۱۳۲۴، ش ۱۰۴، ۳).

آگاهی‌بخشی و آشنایی هر چه بیشتر مردم و به ویژه نمایندگان مجلس با افکار مترقی و آزادیخواهانه از اهداف اساسی روزنامه‌های این دوره بود. مدبرالممالک هرندی

مدیر روزنامه تمدن که با نظامهای پارلمانی کشورهای اروپایی آشنایی داشت، انتشار مقالاتی را در جهت معرفی مشروطه و دموکراسی به منظور جلب نظر و توجه اعضای مجلس شورای ملی در دستور کار خود قرار داد (کهن، ۶۳). دفاع از مجلس در مقابل حمله‌های مخالفان، از دیگر اقدامات روزنامه‌های این دوره بود. روزنامه‌های آزادیخواه در مقابل درباریان و شخصیت‌های صاحب نفوذ مخالف مشروطه به دفاع از مجلس و نهادهای مشروطیت می‌پرداختند. در روزنامه صوراسرافیل ادعاهای مخالفان مبنی بر اینکه مشروطیت ضد دین و ضد مذهب است رد شده و بلکه حفظ دین و دفاع از مظلومان و آزادی قلم و افکار و اقوال را جزو وظایف آن دانسته است (صوراسرافیل، ۱۳۲۵، ش ۳، ۲-۱). در روزنامه تمدن نیز ضمن دفاع از حکومت پارلمانی، در جهت تقویت جایگاه مجلس به عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان حکومت مشروطه مقالاتی درج شده است. مقاله نویسنده این روزنامه در شماره دوم به سرزنش درباریان پرداخته که از شرکت در انتخابات مجلس طفره رفته بودند و آنها را از این جهت سخت نکوهیده که چرا در جهت تقویت مجلس ملی نمی‌کوشند، زیرا که مجلس «برای راحت نفوس و امنیت بلاد و رفع مفاسد... و اصلاح امور... ایران و ایرانیان .. است» (تمدن، ۲۴ ذی‌الحجه ۱۳۲۴، ش ۲، ۱). نگاه نویسنده حبل‌المتین در دفاع از مطبوعات و مجلس و به ویژه روشن ساختن افکار عمومی نسبت به خرافاتی که عوامل استبداد به مجلس نسبت می‌دادند، جالب و درخور توجه است. در یکی از شماره‌های این روزنامه، نویسنده در اشاره به برخی خرافات و شایعات رایج میان مردم درباره مجلس و نحوست آن با تمسک به مشاهده ستاره دنباله دار یا بروز بیماری و غیره که برخی متحجران و عوامل استبداد القا می‌کردند، نوشته است: «بارالها نابود و معذب فرما کسانی را که ماها را تا به این درجه، نادان و جاهل خواسته‌اند...» (حبل‌المتین، ۱۷ رمضان ۱۳۲۴، ش ۱۰۴، ۳).

مطبوعات این دوره، نظام نوین مشروطه و به ویژه مجلس را دلیلی بر مشارکت مردم در امور جامعه می‌دانستند. نویسنده روزنامه صوراسرافیل موافقت و همراهی عمومی با رای و نظر مجلس شورای ملی را لازم می‌دانست و توصیه می‌کرد در مواقعی که دولت و پارلمان در جهت صلاح عمومی و در چارچوب قانون هدف بزرگی در پیش می‌گیرند، مردم با کمک‌های مالی یا جانی، موافقت و همراهی خود را نشان دهند (صوراسرافیل، ۱۱ جمادی الاول ۱۳۲۶، شماره ۳۱: ۳). نویسنده‌ای در روزنامه صبح صادق، در مقاله‌ای با عنوان «بشارت»، مجلس را اسباب ترقی و پیشرفت دانست و نمایندگان



مجلس و دولت را به مذاکره و رفع اختلافات دعوت کرد (صبح صادق، ۲۰ شعبان ۱۳۲۵، ش ۱۴۰، ۱).

«زشت و زیبا» روزنامه دیگری است که در آن از نقش مجلس در مبارزه با فساد ستایش شده است. در شماره دوم این روزنامه که به مدیریت فتح‌الممالک و در سال ۱۳۲۵ق منتشر می‌شد، نویسنده به امتیازات نظام مشروطه و ارکان آن پرداخته و نقش مجلس را در جلوگیری از فساد تحسین کرده است (زشت و زیبا، ۱۳۲۵، شماره ۲، ۷). ستایش‌های مطبوعات از مجلس، نمایندگان را از نگاه انتقادآمیز برکنار نگاه نداشت؛ چندان که گاه در باب برخی از تصمیمات مجلسیان پرسش می‌کردند و خواهان پاسخگویی آنها می‌شدند: نویسنده روزنامه حبل‌المتین در مقاله‌ای با عنوان «نواقص پارلمان» نوشت که استبداد را از ارگ دولتی برداشته و در عمارت بهارستان آورده‌اند (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۲۵ق، شماره ۱۴۳: ۲). روزنامه‌نگار ندای وطن، به نمایندگان مجلس شورای ملی در باب مداخلات دولتهای روس و انگلیس در ایران هشدار داده و خواهان هوشیاری نمایندگان در جلوگیری از نفوذ بیگانگان در کشور شده است (ندای وطن، پنجشنبه ۱۱ ذی‌القعدة ۱۳۲۴، ۸).

در واکنش به مطالب روزنامه‌ها، برخی از نمایندگان مجلس، با تسلیم در برابر فشارهای دربار و دولتیان به منظور کنترل مطبوعات، خواهان اعمال محدودیت‌های بیشتر بر روزنامه‌هایی بودند که اخبار یا به اصطلاح «اسرار مگو» را منتشر می‌کردند. صنیع‌الدوله، وزیر علوم و رئیس مجلس شورای ملی، تنها خاصیت مطبوعات را ایجاد «نقار» می‌دانست و با این استدلال که «شاه در تمام ممالک مقدس است»، فرمان توقیف روزنامه روح‌القدس را صادر کرد، زیرا در این روزنامه مطالبی در انتقاد از شاه منتشر شده بود (مذاکرات مجلس شورای ملی دوره اول، ۱۳۲۵، ۳۷۴). در واکنش، نویسنده روزنامه صوراسرافیل برخی از نمایندگان مجلس را به همدستی با مخالفان مشروطه متهم کرد و نوشت که ایرانیان در زمان انتخابات نمایندگان مجلس، چشمان خود را باز نکردند و فریب «کلفتی‌گردن، بزرگی‌عمامه، بلندی ریش، زیادی اسب و کالسکه» را خوردند (صوراسرافیل، ۱۳۲۵، ش ۸، ۲۲-۷).

در زمان تدوین قانون مطبوعات، اختلافات میان نمایندگان مجلس بالا گرفت. مخبرالسلطنه هدایت، وزیر وقت علوم، به نوشته خودش، قانون مطبوعات را از روی قانون فرانسه نوشت و به مجلس برد، اما تصویب نشد. همودر جای دیگری از خاطرات

خود نوشته است: «روزنامجات باغراض گوناگون آبرو برای کسی باقی نگذارند، اگر احیانا حقیقتی یا دردی را موضوع مقاله قرار می‌دادند لهجه زشت و ظهور دمه‌های خروس اصل منظور را از بین می‌برد، معلوم نبود از زبان کی سخن می‌گویند» (مخبرالسلطنه، *خاطرات و خطرات*، ۱۵۲-۱۵۱). سرانجام نمایندگان به منظور اعمال نفوذ و کنترل بیشتر روزنامه‌ها، قانون مطبوعات را تصویب کردند. تصویب این قانون نیز چندان خوشایند اهالی مطبوعات نیفتاد و اعتراض آنان را برانگیخت. نویسندگان در مقاله‌ای در نشریه معارف، این قانون را به باد انتقاد گرفت (معارف، ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۶، ش ۱۲، ۷). در روزنامه مساوات در شماره‌ای به صورت ویژه، روزنامه‌های درباری دوره ناصرالدین‌شاه معرفی شد و نویسنده، قانون جدید را نوعی بازگشت به شرایط سرکوب آن دوران دانست (*مساوات*، ۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ ق، ش ۱۹، ۲). مقاله نویسنده روزنامه صوراسرافیل آن را کوششی برای محدود کردن هرچه بیشتر مطبوعات خواند. نویسنده روزنامه *حبل‌المتین* نیز در مقاله‌ای، درباره تصویب قانون مطبوعات در مجلس پرسیده بود: «آیا جای این حرفها در مجلس مقدس شورا است؟ آیا این کار تکلیف و کلاست؟» (*حبل‌المتین*، ۱۳۲۶، ش ۵۹، ۳). تدوین قانون مطبوعات، با تاخیر و فقط چهار ماه پیش از به توپ بستن مجلس و در حالی انجام پذیرفت که دربار و مستبدین خود را برای سرکوب مشروطه‌خواهان و درهم‌کوبیدن مجلس آماده می‌کردند و همین شرایط موجب تضعیف موقعیت آزادیخواهان در تدوین مفاد این قانون در مقابل آرای جناح محافظه‌کار و ملاک و معیاری برای تحدید آزادی قلم و بیان گردید.

مجلس اول "برنامه‌های فوق‌العاده سنگین" و موانع بسیار در راه خلق مشروطیت و قانونمندی کردن جامعه در پیش داشت (تقی‌زاده، *خاطرات*، ۸). این مجلس مصوبات و تصمیم‌گیریهایی مختلفی را در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه به تصویب رسانید و کوشید با تصویب این قوانین بخشی از انتظارات را جامه عمل بپوشاند. مطبوعات این دوره علاوه بر انعکاس این تصمیمات، به ابراز نظر و بیان مواضع خود در قبال آنها نیز می‌پرداختند. برای بررسی بیشتر تعامل مجلس و مطبوعات، لازم است به اختصار به برخی از مهم‌ترین اقدامات مجلس اشاره و نحوه انعکاس آن در مطبوعات این دوره را بررسی کنیم.

## ۵- مطبوعات و استقراض خارجی

اندکی پس از پیروزی جنبش مشروطه و در همان اولین روزهای تشکیل مجلس

اول، مشیرالدوله صدراعظم وقت با توجه به مشکلات مالی دولت و ناتوانی در پرداخت معوقات، درصدد دریافت وام از دولت های خارجی برآمد. به همین منظور، مخبرالسلطنه به نمایندگی از مشیرالدوله و به عنوان نماینده هیئت دولت درصدد برآمد با مجلس ملی در این زمینه مذاکره کند. در جلسه ۲۲ رمضان ۱۳۲۴ق درخواست وام به مبلغ بیست کرورتومان از انگلیس و روس برای پرداخت حقوق سفرا، نیروی نظامی و هزینه های دربار از سوی دولت در مجلس مطرح شد. روس ها در مقابل پرداخت این وام مانند گذشته، گمرکات شمال را برای خود نگه می داشتند و انگلیسی ها نیز خواهان درآمد تلگرافخانه و پستخانه بودند (کسروی، ج ۱، ۱۷۷-۱۷۶). واکنش های نمایندگان در این موضوع متفاوت بود: گروهی که غالباً از شاهزادگان بودند با اخذ وام توافق داشتند، اما گروهی دیگر از نمایندگان با تقاضای وام از هر کشور خارجی مخالف بودند و آن را به زیان کشور می دانستند (جریده ملی، ۱۳۲۴ق، ش ۱۸، ۱). معین‌التجار از نمایندگان مخالف استقراض، دریافت این وام را به معنای تسلیم کشور در برابر بیگانگان می دانست (میرزاصالح، ۲۲۸). در واکنش به طرح استقراض خارجی، برخی از نویسندگان مطبوعات، مخالفت علنی خود را با چنین قراردادی به وضوح بیان کردند. مقاله نویس روزنامه روح القدس در برابر طرح استقراض واکنش تندی نشان داد و در مقاله ای زیر عنوان «خطاب به مستبدین» نسبت به خیانت های رئیس الوزراء و دولتمردان، به محمدعلی شاه هشدار داد (روح القدس، ۱۳۲۵، ش ۲، ۲). سرانجام با رأی مخالفت اکثریت نمایندگان مجلس، این طرح عملی نشد. نویسنده روزنامه جریده ملی، ارگان انجمن ملی تبریز، از رد این لایحه در مجلس ابراز خوشحالی کرد (جریده ملی تبریز، ۱۳۲۴، ش ۱۳، ۱). این رویداد، بر این باور درباریان و دولتهای روس و انگلیس که احساسات ضد استبداد و ضد استعماری مشروطه خواهان را هیجانی و زودگذر می دانستند، خط بطلان کشید و بر ارج و قرب مجلس در اذهان عموم افزود.

## ۲-۵. مطبوعات و کوشش برای تأسیس بانک ملی

با توجه به خزانه تهی و وضعیت مالی آشفته دولت و در جهت رفع مشکلات مالی کشور، طرح تأسیس بانک ملی از طریق فروش سهام به مردم در ۱۲ شوال ۱۳۲۴ ق در مجلس مطرح (کسروی، ۱۸۰)، سپس اعلان بانک ملی ایران از طرف مجلس منتشر شد. همزمان با این اقدام، نویسندگان برخی نشریات کشور به دفاع از تأسیس بانک ملی

پرداخته و با بیان مضرات و مشکلاتی که بانکهای شاهنشاهی و استقراضی تا آن هنگام برای کشور ایجاد کرده بودند، مجلس، دولت و مردم کشور را به همکاری و مشارکت جدی برای تأسیس بانک ملی فرا خواندند. روزنامه حبل‌المتین سرآمد این دسته از مطبوعات بود (حبل‌المتین، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ش، ۲۹، ۳، سه شنبه ۸ شعبان ۱۳۲۵، سال اول، ش ۱۲۱، شنبه ۱۲ شعبان ۱۳۲۵ و سال اول، ش ۱۱۷، دوشنبه ۷ شعبان ۱۳۲۵). نویسنده روزنامه انجمن تبریز تأسیس بانک ملی را عامل پیشرفت و توسعه اقتصادی و مالی و راهی در جهت کاهش نفوذ بیگانگان می‌دانست (روزنامه انجمن تبریز، ۱۳۲۴ ق، شماره ۶۳، ص ۱؛ ش ۶۷، ص ۲، ش ۳۸، ۳). مقاله نویسنده روزنامه ندای وطن نیز بارها با انتشار مطالبی در لزوم تأسیس بانک ملی و حمایت عمومی از این بانک، به ویژه از کسانی که دارای ثروت و مکنت عمده بودند، ولی به دلایلی قصد نداشتند در این بانک جدیدالتأسیس سرمایه‌گذاری کنند، انتقاد کرد (ندای وطن، سال اول، شماره ۱۵، شنبه ۲۴ محرم ۱۳۲۵، ص ۳). سیدمحمدرضا شیرازی (مساوات) نیز در شماره‌های مختلف صبح نامه به دفاع از تأسیس بانک برخاست و از دولتمردان و درباریان مخالف تأسیس بانک سخت انتقاد کرد (صبح نامه، ۲۴ شوال ۱۳۲۴، ش ۱۶، ۲). نویسنده روزنامه کَشکول نیز به انحاء مختلف و از جمله با چاپ کارتونی از صفوف زنان و مردان در صف خرید سهام بانک، از تأسیس بانک حمایت کرد (کَشکول، شماره ۱، صفر ۱۳۲۵ ق، ۴). با تمام کوشش‌های صورت گرفته، به دلایل مختلف طرح تأسیس بانک ملی با موفقیت همراه نشد. از عوامل مؤثر در این زمینه می‌توان به نقش مخرب بانکهای شاهنشاهی و استقراضی اشاره کرد. مدت کوتاهی پس از انتشار نظامنامه بانک ملی، دو بانک مذکور مراتب اعتراض خود را نسبت به مفاد آن اعلام کردند و تمام کوشش خود را برای تحت فشار قراردادن دولت و مجلس در جهت جلوگیری از تحقق این طرح ملی به کار بردند (حسن معاصر، ۱۳۹-۱۳۸). نویسندگان روزنامه‌هایی چون حبل‌المتین، اخبار اقدامات دولتهای روس و انگلیس را در جهت جلوگیری از تأسیس بانک ملی و نیز وادار کردن دولت ایران به اخذ وام از بانکهای آن دو کشور در صفحات روزنامه‌های این دوره منعکس کردند (حبل‌المتین، سال اول، ش ۴۱، شنبه ۲۳ شوال ۱۳۲۵، ۳-۲)

### ۳-۵. مطبوعات و قرارداد ۱۹۰۷م

رقابت دیرینه میان دولتهای روسیه و انگلیس در ایران، با ظهور دولت نیرومند آلمان و

احساس خطر از جانب این کشور، موجب همدستی و اتحاد موقت روس و انگلیس و بستن پیمانی میان آن دو در سال ۱۹۰۷م/ ۱۲۸۶ش) و تقسیم ایران به مناطق تحت نفوذ این دو کشور گردید. انتشار خبر انعقاد این قرارداد، اعتراض و مخالفت ایرانیان را برانگیخت. نمایندگان مجلس این قرارداد را فاقد هرگونه مشروعیتی در ایجاد تعهد قانونی برای ایران دانستند و اعطای هرگونه امتیازی به دولتهای خارجی را صرفاً حق ملت ایران برشمردند (کسروی، ۴۶۴-۴۵۸). اهالی مطبوعات نیز در واکنش به انعقاد این پیمان، با درج مطالبی درباره زیانهای آن، مخالفت خود را نسبت به آن ابراز کردند. نویسندگان این روزنامه‌ها کوشیدند ضمن اطلاع‌رسانی، از انعقاد چنین پیمانی، افکار عمومی را از عواقب زیانبار آن آگاه کنند: نویسندگان روزنامه حبل‌المتین در این زمینه گوی سبقت از بقیه روزنامه‌ها ر بوده و در شماره‌های مختلف، با درج مطالبی، کوشیدند آگاهی مردم را نسبت به زیانهای این قرارداد افزایش دهند. در شماره ۱۱۳ این روزنامه، نویسنده از دولت خواسته بود تا «رسماً به تمام دول اطلاع بدهند که بدون اطلاع ما هرگونه معاهده بسته شود از درجه اعتبار و صحت ساقط و عاطل است». نویسنده سپس به ذکر محتوای پیمان ۱۹۰۷م می‌پردازد و از تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ روسیه تزاری و انگلستان و یک منطقه بیطرف یاد می‌کند و نسبت به خطر این قرارداد و به ویژه برباد رفتن استقلال ایران هشدار می‌دهد (حبل‌المتین، ش ۱۱۴، ۲).

نویسنده روزنامه تمدن نیز در سرمقاله با عنوان «ایران مال ایرانیان است»، دخالت روسیه تزاری و انگلستان را در امور ایران مردود دانست و با آن سخت مخالفت کرد (تمدن، ۱۳۲۴، ش ۱۴، ۳). همچنین در مقاله دیگری، این معاهده موجب تزلزل ارکان استقلال ایران دانسته شده و نویسنده آن را ظلم در حق ایرانیان خوانده است، گرچه به نظر او، با هشیاری ملت، خاک ایران حفظ می‌شود و به غیر واگذار نخواهد شد (تمدن، س اول، ش ۳۹، ۱۰۲). روزنامه مساوات نیز ضمن بیان مخالفت مجلس، این قرارداد را محکوم کرد، زیرا به تعبیر این روزنامه «به مثابه یک نان قندی ایران را بین روس و انگلیس تقسیم کرده است» (مساوات، ۲۱ ذی‌الحجه ۱۳۲۵، شماره ۱۰، ۷). نویسنده روزنامه کشکول، دولتمردان را به دو صفت غفلت و رخوت منسوب کرده و نتایج آن را برای ایران زیان بار دانسته است (کشکول، ۹ شوال ۱۳۲۵، شماره ۲۵، ۲). علی‌رغم هشدارهای مطبوعات در باب زیانهای این قرارداد و بی‌اعتنائی روس و انگلیس به استقلال و حاکمیت ملی ایران، نه تنها این قرارداد لغو نشد، بلکه روس و انگلیس در جنگ جهانی اول آن را دست‌آویز اشغال ایران قرار دادند (حائری، ۱۳۲).

## ۶. روزنامه‌ها و دولت

مطبوعات این دوره به پشتوانه آزادی‌های به دست آمده پس از مشروطیت، علاوه بر شاه و درباریان، مجلس و دولت را نیز آماج انتقادات خود قرار دادند. مطالب روشنگرانه و بی‌پروایی برخی از اهالی مطبوعات و تندرویهایی برخی دیگر موجب نارضایتی دولتیان و درباریان و سایر ارباب قدرت شد و شکایت آنان از مندرجات این روزنامه‌ها را در پی آورد. مقالات در روزنامه‌هایی چون *صوراسرافیل* غالباً لحن تنیدی داشت و از شاه و برخی از دولتمردان انتقاد می‌شد. بعد از انتشار شماره اول *صوراسرافیل*، مخبرالسلطنه هدایت، وزیر معارف، با ارسال نامه‌ای، میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل را برای بازپرسی و استنطاق فراخواند. این اولین واکنش رسمی دولت مشروطه در برابر روزنامه‌نگاران بود (قاضی‌زاده، ۱۵۱).

بر مبنای گزارش مطبوعات، در ابتدای تشکیل مجلس شورای ملی، علی رغم تصریح اصل ۴۲ قانون اساسی در باب مسئولیت دولت در برابر مجلس و پاسخگویی وزیران و الزام آنان در ارائه گزارش از انجام مسئولیتهای محوله به مجلس، نه تنها مشیرالدوله، بلکه وزرای کابینه نیز، حضور در مجلس و پاسخگویی را چندان جدی نگرفته بودند. نمایندگان مجلس، بعد از چند بار اعلام فراخوان به وزیران کابینه و بی‌اعتنائی آنان، در جلسه ۷ ذی‌الحجه ۱۳۲۴ق، وزرای کابینه را غیرمسئول و کارشکن و متقلب خواندند که در صدد اغفال شاه هستند. روزنامه‌ها ضمن بیان این رویدادها از تصمیم نمایندگان-مجلس برای استحضار شاه از وضع موجود و اقداماتی برای الزام وزیران در همراهی با مجلس خبر دادند (کشکول، ۱۳۲۵، ش ۱۵، ۲؛ مجلس، ۱۳۲۴، شماره ۳۲، ۳). به نوشته نویسنده روزنامه کشکول، وکلای مجلس چون از پاسخگویی و عزل و نصب وزیران کابینه مأیوس شدند، انفصال آنها را از محمدعلی‌شاه خواستند. شاه این درخواست را نپذیرفت و این موضوع در نظر برخی افراد که این روزنامه آنها را «کوتاه نظران» خوانده است، خواری و خفت و ضعف مجلس تلقی گردید (کشکول، همان، ۳). مقاله نویس روزنامه روح‌القدس، وزرای دولت را از این جهت که بدون استحقاق و لیاقت شخصی به مسند وزارت رسیده و به غصب حقوق مردم و غارت سرزمین مشغولند، مذمت و نکوهش کرده است (روح‌القدس، ۶ رمضان ۱۳۲۵، شماره ۱، ۱۰). در روزنامه حبل‌المتین، ضمن مقاله‌ای، از بی‌نظمی و ناهماهنگی‌ها در وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و اهمال و سستی مشیرالدوله در عملکرد شایسته و درخور مقام ریاست وزرا انتقاد شده و نویسنده، این اهمال‌کاری‌ها را عامل اصلی در ناکارایی مجلس شورای ملی برشمرده است

(حبل‌المتین، صفر ۱۳۲۵، شماره ۳۰، ۱). در صوراسرافیل نیز، نویسنده مقاله، در موارد متعدد به عملکرد دولتمردان خرده گرفته و وزیران دولت را همچون دوره پیش از مشروطه، بی تخصص و ناکارآمد دانسته است (صوراسرافیل، ۱۳۲۵ق، ش ۱۱، ۸). همچنین از ادامه روشهای عصر استبداد در برخورد با توده مردم در دولت مشروطه و رواج رشوه برای سپردن و گرفتن مقام و منصب و حکومتهای محلی در بین دولتمردان خبر داده است (همان، ش ۱۷، ۷).

### ۷. مطبوعات و سلطنت

پس از مرگ مظفردین شاه در ذی‌قعدة ۱۳۲۴ق، محمدعلی‌شاه در ۲۸ دی ماه برابر با ۴ ذی حجه ۱۳۲۴ق) و بدون دعوت از نمایندگان مجلس و روزنامه‌نگاران تاجگذاری کرد. دوران سلطنت او نزدیک به یکسال و شش ماه بعد با به توپ بستن مجلس در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ق به پایان رسید. وی از همان ابتدا نشان داد که به مشروطیت پایبندی ندارد و به نوشته مخبرالسلطنه «قادر نبود زیر بار قانون برود، مطلق‌العنانی می‌خواست» (مخبرالسلطنه، خاطرات و خطرات، ۱۹۰). او خواهان همان امتیازاتی بود که اجدادش از آن بهره‌مند بودند: شاه قدرت خود را نه از مردم، بلکه از خداوند می‌گرفت، قدرتش نامحدود و کلامش به مثابه قانون بود. به نوشته سردبیر روزنامه مساوات، شاه از تقسیم قوا و قدرت با دیگران سخت ناراضی بود. بنابراین، طولی نکشید که باب خصومت و دشمنی با مشروطه و مشروطه‌خواهان را گشود (مساوات، ۲۱ ذیحجه ۱۳۲۵ق، ش ۱۰، ۴). به نوشته تقی‌زاده، محمدعلی‌شاه «قلبا برخلاف مشروطه بود» (تقی‌زاده، بی‌تا، ۴۷). وی برای توجیه مخالفت خود با مشروطه، در دیدار با سفیر روسیه، ایرانی‌ها را نه قابل مشروطه دانسته بود و نه دارای بینش و آگاهی درباره معنای مشروطه (حبل‌المتین رشت، ش ۲۹، ۱۳۲۷: ۱). براساس چنین دیدگاهی بود که به زودی برخوردها و صف‌آرایی‌ها میان هواداران مشروطه و استبداد آغاز شد و به همین سبب، در روز تاجگذاری شاه، نمایندگان ملت به مجلس دعوت نشدند (کسروی، ج ۱، ۲۰۲-۲۰۳). با چنین اقدامی، محمدعلی‌شاه بیشتر در مظان اتهام مخالفت با مشروطه و نهادهای برآمده از آن قرار گرفت. نمایندگان مجلس به او تاختند که «سلطان، سلطان ملت است باید از طرف ملت تاج گذارند و مجلس نماینده ملت است» (روزنامه مجلس، ربیع‌الاول ۱۳۲۶، شماره ۱۷، ۴). مطبوعات نیز بر اقدامات شاه که بدون اطلاع مجلس و

نمایندگان مردم انجام می‌داد، تمرکز کردند؛ از جمله، قرارداد محرمانه دریافت وام هنگفت با انگلیس و روسیه که بحث و انتقاد بسیاری در مطبوعات برانگیخت. انتقادات نویسندگان مطبوعات از عملکرد شاه، نشانه و مقدمه نظارت ملت بر اقدامات شاه بود و محمدعلی شاه به هیچ وجه آن را برنمی‌تافت. اندکی بعد، نمایندگان مجلس در صد کاهش بودجه دربار و برخی از ادارات دولتی برآمدند. محمدعلی شاه برای مقابله با مشروطه‌خواهان و پیشگیری از چنین اقداماتی، امین‌السلطان صدراعظم دوره‌های ناصری و مظفری را به پست صدارت منصوب کرد. خودداری شاه از امضای متمم قانون اساسی لحن مطبوعات را تندتر کرد. حتی صدارت امین‌السلطان و کوششهای وی در جهت جلب رضایت مخالفان هم نتوانست مطبوعات را از انتقاد بازدارد. نویسندگان روزنامه صوراسرافیل در شماره‌های مختلف به شرح مظالم حکام و درباریان و شاه پرداختند و از شاه و درباریان نزدیک او به تندی انتقاد کردند. این روزنامه، شاپشال، معلم روسی محمدعلی شاه را نکوهش کرد و او را «جهود» خواند (قاضی‌زاده، ۱۵۱). همچنین در شماره‌های مختلف این روزنامه، دولتمردان و حکام ایالات به سبب ظلم و زور دوره استبداد محکوم و شاه و درباریان به اقدامات ضد مشروطه از طریق سازماندهی مخالفان مشروطه، با استفاده از ثروت و دارایی ملی متهم شدند (صوراسرافیل، ش ۷ و ۸، ۱۴). در واپسین شماره این روزنامه، که ۳ روز قبل از فاجعه به توپ بستن مجلس منتشر شد، در سرمقاله‌ای با عنوان «ملت و دربار»، نویسنده، به قزاقان روسی سخت تاخت و آنها را وسیله دست دولت روسیه، برای سرکوب آزادی ملت روسیه دانست (صوراسرافیل، ۱۳۲۶، ش ۳۲، ۳). به احتمال بسیار، همین انتقادات بود که دشمنی شاپشال را با مدیر صوراسرافیل برانگیخت. شاپشال به یکی از محترمین گفته بود: «شاه به اصرار من میرزا جهانگیرخان و ملک المتکلمین را کشت» (رابینو، ۱۹۱). مقاله نویس روزنامه مساوات نیز، شاه را بازیکه دست اطرافیان او می‌دانست که اجازه نمی‌دهند او حقایق را ببیند (مساوات، ۲ ربیع الثانی ۱۳۲۶، سال اول، ش ۲۲: ۲). موج این انتقادات، خشم شاه را برانگیخت: «در اوایل که روزنامه در تحت مسئولیت وزارت علوم بود، روزنامه تمدن تندها کرد. شاه مرا خواست. اظهار تشدد و تغیر نمود» (مخبرالسلطنه، ۱۵۲). نویسندگان روزنامه روح‌القدس، صریح و بی‌پرده، استبداد و ارتجاع و عملکرد حکام ستمگر و حتی شاه را به باد انتقاد می‌گرفتند و گاه نویسنده، در مقام نصیحت‌گر دلسوز برآمده و شاه را به پرهیز از استبداد و خودکامگی و رعایت اصول مشروطه و حقوق مردم



دعوت می‌کرد. در شماره ۱۳ این روزنامه در مقاله‌ای با عنوان «نطق غیبی یا اشاره لاریبی» نویسنده بر محمدعلی شاه سخت تاخته و از او به سبب اعمال ضد مشروطه انتقاد کرده است. به نوشته او، محمدعلی شاه مدهوش و سرمست از سلطنت، به قصابی ملت مشغول است و کشور، روز به روز ویران تر و خاک و نفوسش طعمه گرگ‌ها می‌شود (روح القدس، ۱۳۲۵، ش ۱۳، ۲-۳). با انتشار این سرمقاله، روزنامه توقیف و سلطان‌العلما به عدلیه احضار شد. بعدها در وقایع پس از به توپ بستن مجلس در ۱۳۲۶ق، عوامل محمدعلی شاه دفتر این روزنامه را اشغال کردند؛ سلطان‌العلما به دست مهاجمان زخمی و دستگیر شد و پس از چند روز اسارت در باغشاه، او را کشتند و پیکرش را به چاه انداختند (رابینو، ۱۴۹).

در مساوات، دیگر روزنامه مهم این دوره، شاه بزرگترین دشمن مشروطیت و آزادی معرفی شد. سرانجام محمدعلی شاه محاکمه و مجازات مدیر آن را از عدلیه تقاضا کرد (ملک‌زاده، ۴۴۰). مساوات در زمره اصلی‌ترین مطبوعات مشروطه‌خواه قرار داشت. مدیر این روزنامه جزو هشت نفری بود که تقاضای خودشان را برای تشکیل مجلس شورا با محمدعلی شاه مطرح کردند. سرانجام، درج مقاله‌ای در این روزنامه با عنوان «شاه در چه حال است؟» و پرخاش به محمدعلی شاه، موجب توقیف روزنامه و تعقیب ناشر شد. نویسنده در این مقاله سخت بر شاه تاخته و او را به فساد و استبداد و عهدشکنی و حمایت از راهزنان و خونریزی و غارت مردم متهم کرده و از برخورد و مقابله مردم سخن به میان آورده است (روزنامه مساوات، ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۶، ش ۲۱: ۲). پس از به توپ بستن مجلس شورای ملی، او توانست به قفقاز بگریزد و از تعقیب و دستگیری فرستادگان محمد علی شاه در امان بماند. سپس در تبریز توانست روزنامه مساوات را نشر دهد و در دوره دوم مجلس شورای ملی به عنوان نماینده مردم تبریز به مجلس راه یابد (رابینو، ۲۳۴).

انتشار مطالب انتقادآمیز مطبوعات خشم محمدعلی شاه و درباریان را برانگیخت. محمدعلی شاه از روزنامه‌نگاران به عنوان بانیان «اختلال و اغتشاش» سخن گفت و عزم خود را برای مقابله و سرکوب آنان جزم کرد. کنترل روزنامه‌ها از سوی دربار، به دلیل نفوذ آنان در بین مردم سخت و توقیف آنها هم بحران‌زا بود. بنابراین، شاه و درباریان در صدد برآمدند با انتشار مخفیانه شبنامه<sup>۱</sup> و نشریات و اعلامیه‌ها و انتساب آنها به

۱. انتشار شبنامه از اواخر دوره ناصری در ایران رواج یافت و یکی از نخستین این نشریات در تبریز و به دست علی‌قلی صفراف در سال ۱۳۱۰ق به چپ رسیده است و سپس به تدریج در شهرهای دیگر گسترش یافت (کهن، همان، ج ۱: ۱۴۱).

مشروطه‌طلبان شناخته شده، آنها را بدنام و به عنوان مشتی بایی و بی‌دین به مردم معرفی کنند و اینکه برای اهانت و ضربه زدن به مقدسات اسلام در پی فرصت هستند (حبل‌المتین، ۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۶، شماره ۱۸، ۶-۵؛ ندای وطن، ششم ربیع‌الثانی ۱۳۲۶، ش ۲۴، ۳). اقدام دیگر مستبدان برای مقابله با نفوذ مطبوعات به ویژه در تبریز که کانون آزادیخواهی بود، تقلید کورکورانه از نام و نشان روزنامه‌های مشروطه‌خواه بود. اتحاد و اسلامیة دو روزنامه روشنگر بود که به همت میرزا ابوالقاسم ضیاء العلماء از مشروطه خواهان تبریز منتشر می‌شد. کمی بعد، میرزا احمد بصیرت از عوامل ارتجاع و استبداد محمدعلی شاهی در تبریز، با هدف جذب خوانندگان نشریه‌های یادشده، دو روزنامه به همین نام‌ها منتشر کرد، اما به سبب عدم استقبال مردم، روزنامه اتحاد فقط به شماره ۵ رسید و اسلامیة نیز در سال ۱۳۲۵ ق از کار افتاد (کهن، ج ۲، ۶۹). اقدام دیگر مقامات دربار، کوشش برای نفوذ در گروه‌های مدافع مشروطیت و تفوق بر اعضای میانه‌رو مجلس، تا حد قابل توجهی موفقیت‌آمیز بود (سعیدی‌سیرجانی، ۱۵۳).

تندرویهای مطبوعات در بین آزادیخواهان و طرفداران مشروطه مخالفانی هم داشته است: از جمله کسروی از اینکه مطبوعات ملاک آزادیخواهی را بدگویی و ناله بیشتر می‌دانستند، انتقاد کرده است (کسروی، ۲۷۵). در واقع، تندرویهای مطبوعات بهانه به دست شاه و درباریان و متحدان آنها می‌داد. در ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ ق کشمکش میان شاه و مجلس بالا گرفت: مجلس خواهان اخراج ۶ نفر از مخالفان مشروطه و مسببان اصلی تحریکات و اقدامات ضد مشروطه از اطراف شاه بود: امیربهدار، شاپشال معلم شاه، مفاخرالملک، امین‌الملک پسر وزیر بقایا، مقتدرالملک، مجلل‌السلطان (هدایت، گزارش / ایران، ج ۳، ۲۱۹). محمدعلی شاه نیز خواستار توقف انتقاد و فحاشی ناطقان و روزنامه نگاران بود و دستور داد برخی از مشروطه‌خواهان و روزنامه‌نگارانی چون ملک‌المتکلمین و سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی و میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل و دهخدا و مساوات دستگیر شوند که با مخالفت نمایندگان روبه‌رو شد. این افراد از بیم گرفتاری، در مجلس شورای ملی تحصن گزیدند تا اینکه در ۲۳ جمادى‌الاولی ۱۳۲۶ ق، قزاق‌ها مجلس را محاصره و توپ‌باران کردند (تقی‌زاده، خطابه، ۶۱). در پی آن، لیاخوف، در تهران حکومت نظامی برقرار و دستور تعقیب و دستگیری آزادیخواهان را صادر کرد. پس از صدور این فرمان، به دفتر روزنامه‌ها یورش آوردند و بسیاری از مشروطه‌خواهان و روزنامه‌نگاران آزاداندیش چون ملک‌المتکلمین و میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل دستگیر و زندانی شدند و دفتر روزنامه‌های ایشان نیز بسته شد (ملک‌زاده، ۷۷۵؛ تفرشی

حسینی، ۱۱۵-۱۱۳). به دستور شاه، در فردای همان روز یعنی ۲۴ جمادی‌الاولی، جهانگیرخان صوراسرافیل و ملک‌المتکلمین و شماری دیگر از آزادیخواهان به طرز دلخراشی به قتل رسیدند (هدایت، همان، ۲۲۱). بمباران مجلس و انحلال آن، سرآغاز دورانی نسبتاً کوتاه بود که از آن به «استبداد صغیر» تعبیر می‌شود و به دنبال آن فصلی نو از سانسور و خفقان در تاریخ مطبوعات ایران آغاز شد.

### نتیجه

با پیروزی و استقرار نظام مشروطیت، عصر طلایی مطبوعات از نظر کثرت و تنوع و آزادی بیان در ایران رقم خورد. اختصاص اصولی از قانون‌اساسی و متمم آن به مطبوعات، هویت قانونی پررنگ‌تری به مطبوعات داد و به دنبال آن، دهها روزنامه در تهران و شهرستانها سر برآوردند (۱۳۲۶-۱۳۲۴ه.ق). نویسندگان و ناشران این روزنامه‌ها می‌کوشیدند تا در فضای باز ایجاد شده، صرفاً راوی رخدادهای روزگار نباشند، بلکه در سطحی فراتر و در تعامل با مجلس و شاه و دولتمردان، مسئولیت‌ها و وظایف ایشان را در حکومت مشروطه به آنان یادآوری کنند. همچنین با انتشار اخبار و مطالب آگاهی‌بخش، مردم را از اوضاع مملکت آگاه و از حقوق اساسی خود در نظام مشروطه آشنا شوند و در تصمیم‌سازی دولتمردان سهم داشته باشند. گفتمان غالب این مطبوعات، تأکید بر آزادی و عدالت و انتقاد در برخورد با حکومتگران بود. سیر تحولات و رویدادهای بعدی، توفیق آنان را در تحقق برخی از اهدافشان به وضوح نشان داد، اما دوران آزادی دیری نپایید و به زودی گرفتار تهدید و ارباب و فشار مخالفان مشروطه و به ویژه شاه و درباریان شدند که طبع استبدادی و منافع آنها با رویکرد انتقادی و گاه تندروانه مطبوعات سازگار نبود. سرانجام با به توپ‌بستن مجلس و سرکوب آزادیخواهان و توقیف مطبوعات به دستور محمدعلی شاه، دوره مشروطه اول به پایان رسید و با بازگشت موقت استبداد (استبداد صغیر)، فصلی نو از سانسور و خفقان در تاریخ مطبوعات ایران آغاز شد.

### منابع

- آرین‌پور، یحیی، از صباتانیم، چاپ پنجم، ج اول، تهران: انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۷.  
 احتشام‌السلطنه، خاطرات، به کوشش و تحشیه سیدمحمد مهدی موسوی، چاپ دوم، تهران: زوار، ۱۳۶۷.  
 براون، ادوارد، تاریخ مطبوعات ایران، ترجمه محمدعباسی، تهران: معرفت، ۱۳۶۱.

پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، ج ۲، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹.

تقی‌زاده، سیدحسین، خاطرات، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۸.

تقی‌زاده، سیدحسین، خطابه، چاپ یازدهم، تهران: باشگاه مهرگان، ۱۳۳۸.

تفرشی حسینی، سیداحمد، روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۱.

حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.

حقدار، علی‌اصغر، مجلس اول و نهادهای مشروطیت، چاپ دوم، تهران: باشگاه ادبیات، ۱۳۹۵.

رابینو، هل، روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۲۲۹ ه.ق، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۰.

دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، ج یکم، تهران: عطار، ۱۳۶۲.

شریف‌کاشانی، محمدمهدی، واقعات اتفاقیه در روزگار، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.

صدرهاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، چاپ دوم، ج ۱، اصفهان: انتشارات کمال، ۱۳۶۳.

طباطبایی، محیط، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۵۷.

کهن، گوئل، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ج یکم، تهران: آگاه، ۱۳۶۳.

کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، چاپ شانزدهم، ج یکم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.

قاضی‌زاده، علی‌اکبر، جان باختگان روزنامه‌نگار، چاپ اول، تهران: جامعه ایرانیان، ۱۳۷۹.

مخبرالسلطنه، مهدیقلی‌خان‌هدایت، خاطرات و خطرات، چاپ دوم، تهران: زوار، ۱۳۴۴.

مخبرالسلطنه، مهدیقلی‌خان‌هدایت، گزارش ایران، به اهتمام محمدعلی‌صوتی، ج ۳ و ۴، تهران: نشر نقره، ۱۳۶۳.

ملک‌زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج یکم. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۳.

معاصر، حسن، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ج ۳، ترجمه کاظم انصاری، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۷.

مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهارده دوره تقنینیه، مطبوعه مجلس، ۱۳۲۳.

متن قانون مطبوعات، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

## روزنامه‌ها

حبل‌المتین، سال اول، ش ۱۴۳ (۱۷ رمضان ۱۳۲۵ ق)، ش ۲۹ (۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ق)، ش ۳۰

(صفر ۱۳۲۵ ق)، ش ۱۲۱ (۱۲ شعبان ۱۳۲۵ ق)، ش ۱۱۷ (۷ شعبان ۱۳۲۵).

حبل‌المتین رشت، ش ۲۹، صفر ۱۳۲۷.

صبحنامه، سال اول، ش ۱۶ (۲۴ شوال ۱۳۲۴ ق).

کشکول، سال اول، ش ۱ (صفر ۱۳۲۵ ق)، ش ۲۵ (۹ شوال ۱۳۲۵).

تمدن، سال اول، ش ۲، (۲۴ ذی‌الحجه ۱۳۲۴ ق).

صبح صادق، سال اول، ش ۱۴۰، (۲۰ شعبان ۱۳۲۴ق).  
صوراسرافیل، سال اول، ش ۱، ۲۲ (۱۳۲۵ق)، ش ۲، (۱۳۲۵ق)، ش ۱۱ (۱۳۲۵ق)؛ سال دوم،  
ش ۳۱ (۱۱ جمادی الاول ۱۳۲۶).  
مجلس، سال دوم، ش ۱۷ (ربیع الاول ۱۳۲۶ق).  
جریده ملی، سال اول، ش ۱۸ (۱۳۲۴ق).  
مساوات، سال اول، ش ۱۰ (۲۱ ذی الحجه ۱۳۲۵ق)، سال دوم، ش ۱۹ (۳ ربیع الاول ۱۳۲۶ق).  
ندای وطن، سال اول (۱۱ ذی القعدة ۱۳۲۴ق)، ش ۲ (۱۳۲۴).  
زشت وزیبا، ش ۲ (۱۳۲۵)، سال سوم، ش ۲۴۶ (ششم ربیع الثانی ۱۳۲۶ق).

### مجلات

مجله کاهه، شماره ۲۵، سوم جمادی الاول ۱۳۳۶ ه.ق ( ۱۵ فوریه ۱۹۱۸)، برلین.